

گزارشی از مکان‌های ورود ممنوع در تاریخ ایران

درهای بسته به روی زنان ومردان



فاطمه علی‌امغر

با چوبدست خود، شباروز

بر زمین، دروازه مادرم می‌گویم،

و می‌گویم: ای مادر عزیز، بگذار به درون آیم.

فردریش نیچه، فیلسوف این شعر را در دهان پیرمردی می‌گذارد که نمی‌تواند بمیرد، «در جامعه سنت‌ها و عادت‌هایی وجود دارد که کم‌وبیش در همه دنیا مشخص است. برای برخی از این عادات تاریخی و اجتماعی مطالبه‌ای برای تغییر وجود ندارد و پذیرفته شده است. ایرادی هم ندارد، به همین شکل ادامه پیدا کند. باین حال برای تغییر مواردی از این ممنوعیت‌ها مطالبه عمومی وجود دارد. در آن صورت است که جامعه به تغییر نیاز دارد. این مطالبه نشان می‌دهد خیلی از عادت‌های ذهنی نیازمند تحول است.» این را بیات جامعه‌شناس و استاد دانشگاه می‌گوید. اما در طول تاریخ ایران به چه مکان‌هایی زنان و به چه مکان‌هایی مردان حق ورود نداشتند؟

در آیین مهر

هیچ چیز قطعی نیست، همه چیز از نشانه‌های محدود به دست‌آمده در حفاری‌های باستان‌شناسی برداشت می‌شود؛ گویا در آیین مهر، زنان حق ورود به مهرکده‌ها را نداشتند. مارتن رومارزن، پژوهشگر بلژیکی در کتاب «آیین میترا»، مسئله‌ای را مطرح می‌کند: «این مسئله مربوط به زنان است و آن، این است که آیا نمایندگان جنس ضعیف می‌توانستند به فضیلت تشرّف به اسرار دین نایل آیند؟ طرح‌کردن چنین مسئله‌ای برای ما غربی‌ها که عادت به تساوی حقوق و امتیازات زن و مرد داریم، ممکن است عجیب جلوه کند و در اینکه خدایی منحصر به مخلوق مذکرش التفات کند و زنان را مطرود، بی‌عدالتی عظیم می‌بینیم». یا در جایی دیگر در این کتاب می‌گوید: «در تمام اسناد موجود فقط صحبت از مردان است و زنان را در مراسم راهی نیست.» «احسان یغمایی» تنها باستان‌شناسی که به کاوش در مهر کده‌ها پرداخته، از ریشه احتمالی این آیین می‌گوید: «یکی از بارزترین ویژگی‌های مهر، یاری‌رساندن به سربازان و جنگاوران برای پیروزی در نبرد است. شاهان هنگام جنگ برای مهر قربانی می‌کردند و از او پیروزی خواستار می‌شدند، این باور ریشه مهرپرستی برای مردان است. با اینکه زنان نیز به پرستش میترای پرداختند، روشن نیست که چرا آنها راهی به معابد مهر نداشتند. شاید یکی از دلایل آن مردانه‌بودن جنگ است.»اما در برابر این ممنوعیت حضور زنان در معابد مهر، بر پایه کاوش‌های باستان‌شناسی یغمایی، در دشتستان برازجان یک مهرکده خصوصی در بافت یک کوشک عیانی به دست آمده که بسیار کوچک است و فقط چهارده تاقچه کوچک برای گذاشتن هدایا دارد. این مهرکده بدون الحاقات یک نیایشگاه بزرگ است که به نظر می‌رسد ویژه زنان بوده است؛ جایی که مردان هیچ راهی به آن نداشتند. از سوی دیگر می‌گویند که بی‌بی شهربانو در شهرری هم جزء بناهایی بوده که زمانی مردان نمی‌توانستند به آن راه پیدا کنند و تا چند سال پس از انقلاب اسلامی این ممنوعیت برای مردان وجود داشته، با ایین وجود در حال حاضر مردان همچون زنان می‌توانند به این بارگاه راه پیدا کنند و خواسته‌های خود را از بی‌بی‌شهربانو بخواهند.

سکوت تاریخ

«از دوران هخامنشیان و ساسانیان نشانه‌های زیادی در دست نیست که جایی کاملاً زنانه یا کاملاً مردانه وجود داشته باشد، بنابراین در این زمینه به راحتی نمی‌توان اظهارنظر کرد». این گفته‌های لیلی پاپلی، باستان‌شناس است.

یغمایی در این زمینه مصداقی می‌آورد: «در نقوش تخت جمشید نگار زنی نیست، اما این نمی‌تواند دال بر این باشد که زنان در مراسم نوروز یا مهرگان شرکت نمی‌کردند و با اینکه نقش زنان نوازنده در بیشاپور آمده است، اطلاعاتی در زمینه مکان‌های مخصوصه برای زنان و مردان وجود ندارد.» پاپلی می‌گوید: «البته بین ممنوعیت‌ها تفاوت‌های اساسی وجود دارد، برخی از ممنوعیت‌ها عرفی و سنتی و دینی هستند و برخی از طریق قانون و

روایت زنانه

روایت یک شاهد عینی از بازی ایران و آمریکا

یک تصویر بی نظیر

دریا بهرنگ: مسابقه والیبال ایران و آمریکا فرصتی بود برای یک تجربه کوچک و محدود اما مهم. تجربه حضور زنان در ورزشگاه‌ها فارغ از مثبت و منفی بودن نتایج آن، چندوقتی است که از یک دغدغه اجتماعی، به یک دغدغه سیاسی بدل شده و گروه‌های مختلف با اظهارنظر درباره ممنوعیت یا عدم‌ممنوعیت آن، به‌نوعی مدافع جایگاه خود در ساختار سیاسی جامعه شده‌اند. دراین‌میان اما دیدار والیبالیی ایران و آمریکا، به ۱۸ نفر فرصتی مغتنم داد تا بدون نگرانی، بنشینند روی سکوهای یک سالن مردانه و به‌عنوان نماینده بسیاری از زنانی که مایل بودند این سازی را از نزدیک ببینند، شاهد برد تیم ایران باشند. رسانه‌های مختلف، پس از اتمام این بازی، سعی کردند با بانوانی که این تجربه منحصر‌به‌فرد را داشته‌اند، گفت‌وگو کرده و از حال‌وهوای ایین اتفاق در جریانورد. در کنار این گزارش‌ها، مصاحبه‌های گسترش‌یافته، یکی از زنان حاضر در ورزشگاه است، خیر‌انلین با «مرجان کلیرا» گفت‌وگو کرده و پیش‌تر نیز «شرق» با یکی دیگر از بانوان حاضر در ورزشگاه به گفت‌وگو نشسته است. در این گفت‌وگوی کوتاه، معتمدی بیش از هر چیز از تجربیات دیداری و شنیداری خود در حین تماشای بازی سخن گفت و تأکید داشت که به‌عنوان یک تجربه فردی، حق هر مرد و زنی است که بتواند در چارچوب شرع و قانون، تیم ملی کشورش را تشویق کند: «به محض ورودمان و حرکت به سمت جایگاه تماشاچیان، اولین چیزی که توجهم را جلب کرد، علائم و نشانه‌های راهنمایی در این ورزشگاه بود که برای زنان و مردان طراحی شده است.



«شرق» با «شهربانو معتمدی»، یکی از زنان حاضر در ورزشگاه است، خیر‌انلین با «مرجان کلیرا» گفت‌وگو کرده و پیش‌تر نیز «شرق» با یکی دیگر از بانوان حاضر در ورزشگاه به گفت‌وگو نشسته است. در این گفت‌وگوی کوتاه، معتمدی بیش از هر چیز از تجربیات دیداری و شنیداری خود در حین تماشای بازی سخن گفت و تأکید داشت که به‌عنوان یک تجربه فردی، حق هر مرد و زنی است که بتواند در چارچوب شرع و قانون، تیم ملی کشورش را تشویق کند: «به محض ورودمان و حرکت به سمت جایگاه تماشاچیان، اولین چیزی که توجهم را جلب کرد، علائم و نشانه‌های راهنمایی در این ورزشگاه بود که برای زنان و مردان طراحی شده است.



حکومت اعمال می‌شوند». مثلاً اسناد به‌دست‌آمده در دوران آل بویه گویای بخشنامه‌ای است که براساس آن زنان باید در مراسم محرم شیون کنند و زجه بزنند. از سوی دیگر زنان در تکیه‌ها تا دوران صفوی حضور داشتند بدون اینکه حضور فعال داشته باشند؛ یعنی زنان تماشاچی بودند». هرچند هنوز این سنت باقی مانده است اما امروز تفکیکی نیز در این زمینه به وجود آمده و حسینیة برای مردان و زبینه برای زنان بنا شده است.

اندرونی -بیرونی

سبک معماری خانه‌های دوران قاجار، خود نخستین ممنوعه‌های زنانه و مردانه آن روزگار به شمار می‌روند. معماری دوران قاجار دارای حیاط‌های درونی و بیرونی است که به حیاط اندرونی مردان حق ورود نداشتند و به حیاط بیرونی زنان. بنابراین زنان در اندرونی دنیای خودشان را درست کرده

ایران امروز: ایران انقلاب اسلامی است و شرع مبنای قانون اساسی آن، که در این قانون بسیاری از تفکیک‌های مکانی مورد حمایت قرار می‌گیرد؛ این تفکیک‌ها از وسایل نقلیه عمومی گرفته تا استخرها و آرایشگاه‌های مردانه و زنانه را شامل می‌شود. تفکیک جنسیتی در سازمان‌ها هم بارها و بارها مورد توجه مدیران وقت سازمان‌ها بوده اما از آنجایی که بستر فقهی ندارد، تاکنون به نتیجه نرسیده است

بودند: «اندرونی نمونه کوچکی از یک جامعه بود و اگر ساکنان این اجتماع را به بیرون راهی نبود، در عوض سعی می‌کردند محیط کوچک خود را جایی بهتر و شادتر برای زندگی کنند». این را مریم رضایی عاملی در کتاب «سفر دانه به گل» می‌نویسد. پاپلی اما با نگاهی به این اندرونی از مراسم رقص‌های مخصوص زنان در این دوران یاد می‌کند که منجر به تولید ترانه‌های زنانه چون عمو سبزی‌فروش، مورچه داره و... شده است. از داستان مکان‌های ممنوعه در دوره قاجار در سفرنامه‌های بیگانگان هم یاد شده. لیدی شیل، همسفر سفیر مختار انگلیس در سفرنامه‌اش زنان را محبوس در اندرونی خانه‌ها تصویر می‌کند. نتهاها او نقب به اندرونی خانه‌های آن دوران می‌زند بلکه توصیف طولانی هم درباره حضور زنان در تکیه‌ها دارد: «قسمتی از محل تماشاچیان به زن‌ها اختصاص داشت که بیشتر آنان از طبقات پایین اجتماع محسوب می‌شدند و آنها درحالی‌که خود را کاملاً در چادر پیچیده بودند، درروی زمین می‌نشستند. قبل از آغاز نمایش، تلاش این زن‌ها برای پیداکردن جای مناسب، واقعادینی بود».هرچند شیل همواره نگاه غرض‌ورزانه نسبت به ایران داشته، باین‌حال باید بسیاری از ممنوعیت‌های زنانه و مردانه در ایران

زاویه



را ریشه‌دار در سنت و فرهنگ یافت. اگر «زورخانه‌ها» را یکی از مکان‌های ممنوعه برای زنان بدانیم، نباید فراموش کنیم که در تعریف این مکان آمده: «زورخانه جایی است که مردان در آن ورزش می‌کنند و زن‌ها حق ورود به آن را ندارند». برمبنای پژوهشی از سعید ستارژاد، این ممنوعیت می‌تواند یک دلیل تاریخی داشته باشد: «ورزش پهلوانی ایران، ریشه‌های عمیقی در دین مهرپرستی دارد. به نظر من، پیوستگی‌هایی بین دین مهرپرستی با زورخانه و ورزش پهلوانی وجود دارد». هرچندکه در دوران پهلوی زنان طبقه اشراف و سران سایر کشورها می‌توانستند از مراسم زورخانه‌ای بازدید کنند و امروزه هم زنان با منع سفت و سختی برای دیدن ورزش زورخانه‌ای روبه‌رو نیستند و زنان توریست هم می‌توانند از آیین و رسوم زورخانه‌ای بازدید کنند.

ایران امروز

راهی طولانی تا امروز ایران طی شده است. ایران امروز، ایران انقلاب اسلامی است و شرع مبنای قانون اساسی آن، که در این قانون بسیاری از تفکیک‌های مکانی مورد حمایت قرار می‌گیرد؛ این تفکیک‌ها از وسایل نقلیه عمومی گرفته تا استخرها و آرایشگاه‌های مردانه و زنانه را شامل می‌شود. تفکیک جنسیتی در سازمان‌ها هم بارها و بارها مورد توجه مدیران وقت سازمان‌ها بوده اما از آنجایی که بستر فقهی ندارد، تاکنون به نتیجه نرسیده است. «ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه»، یکی دیگر از ممنوعیت‌های چالش‌برانگیز مکانی است؛ ممنوعیتی که خاستگاه قانونی و شرعی ندارد و چندان مورد حمایت قشر وسیعی از فرهنگیان و دانشگاهیان نیست: «ما اگر جامعه بانشاط برای قشر جوان می‌خواهیم باید محیط‌هایی را فراهم کنیم که انرژی آنها مضاعف شود. جوانان باید در محیط‌های ورزشی حضور داشته باشند. همان‌طور که ما در فضاهای مختلف مانند کنسرت‌ها و محیط‌های اجتماعی اجازه می‌دهیم، زنان و مردان با رعایت اصول و اسلوبی حضور داشته باشند. در ضمن ما نباید از یاد ببریم که ما یک دیدگاه سنتی داریم که با نگاه دین‌پرستانه مغایرت دارد. امروزه همان‌طور که زنان با شمت‌های گره‌کرده در کنار مردان از مواضع انقلاب دفاع می‌کنند، می‌توانند در شادی‌های جهانی ایران هم سهیم شوند». این را بیات، جامعه‌شناس می‌گوید. باین‌حال بسیاری همچون کسانی که موسوم به گروه دل‌ولپاس هستند، این اعتقاد را ندارند و حضور زنان در ورزشگاه‌ها را برابر با فحشا و فساد در جامعه می‌دانند. هرچند تجربه تاریخی در بسیاری از کشورها نشان داده تغییر لازمه وجودی هر جامعه پویایی است. همان‌طور که سیمون دوبور، نویسنده و پژوهشگر فرانسوی در کتاب «جنس دوم» می‌نویسد: «رفتار مرد طی قرن‌ها تحول می‌پذیرد و این امر در سرنوشت زن نیز تحولی پدید می‌آورد».

روایت مردانه

روایت یک مرد از ممنوعیت رفتن به یک بنا

مارها نگهبان زیارتگاه دختر پاک هستند

نازنین مهراندیش: «مارها نگهبان زیارتگاه دختر پاک هستند. اگر یک مردی بخواهد وارد این مکان شود، آن را نیش می‌زنند». احمد، ۲۷ سال است در این روستا زندگی می‌کند و حتی یک‌بار هم پا به این مکان کوچک، در میان انبوه درختان، نگذاشته است: «شاید همه این حرف‌ها خرافات باشد و پایه و اساس دینی ندارد، اما به‌رحال من خودم جرئت نمی‌کنم وارد این زیارتگاه شوم، شاید بیشتر از همه نمی‌خواهم قداست آن برهم زده شود». زیارتگاه دختر پاک بر بلندی کوهی در روستای آلاشت مازندران قرار دارد؛ روستایی که خیلی‌ها آن را روستای زنان می‌دانند؛ رازاتی که با جسم‌وجانشان در زمین‌های کشاورزی مایه می‌گذارند و بار اصلی زندگی روی شانه‌های آنهاست. در بین این مردم باوری دیرپا که ریشه‌های آن به سال‌های‌سال پیش برمی‌گردد وجود دارد.



مردم این روستا اعتقاد دارند که هر مردی وارد زیارتگاه دختر پاک شود، مار نیشش می‌زند. برخی می‌گویند که دختران پاک خودشان را وقف الهه آنهابتا می‌کردند و به‌همین دلیل پاک و بارکه باقی می‌ماندند. «ایین زیارتگاه در بین مردم قداست خاصی دارد، خیلی از زنان از راه‌های دور به این زیارتگاه می‌آیند. آنها نذر دارند که بچه‌دار شوند برای همین عروسک درست می‌کنند و به این زیارتگاه می‌آورند». احمد، بارها خواهرانش را برای رفتن به این زیارتگاه همراهی کرده است: «اما هرگز پای را به داخل آن نگذاشتم. گاهی اوقات فکر می‌کنم این حرف‌ها پایه و اساس ندارد. هرچیزی که



زهرا داور

به نظر من درحال‌حاضر رفتن زنان به ورزشگاه مسئله‌ای نیست که در اولویت اصلی مردم ایران باشد. وقتی حضور زنان در ورزشگاه ممنوعیت از دیدگاه علما را ندارد، باید در مورد آن یک‌سری فضاسازی صورت بگیرد. ما باید از همه لحاظ یک مسئله‌ای را بررسی و پژوهش کنیم و بعد در مورد آن نظر قطعی بدهیم. از سوی دیگر وضعیت زنان در ایران، امروزه دغدغه و چالش‌های جدی‌تری دارد. آخرین آمارها نشان می‌دهد، تعداد زنان کارتن‌خواب ما از پنج هزار نفر به ۱۵ هزار نفر رسیده‌اند. یادمان نرود، مشکل اصلی ما زنان سرپرست خانوار هستند. بیکاری

زنان تحصیل‌کرده است. حضور در ورزشگاه‌ها چه مشکلی از ما را می‌خواهد برطرف کند.

علما صراحتاً در ایین زمینه اظهارنظر کردند، برای همین هم هست که زنان کشورهای دیگر اجازه حضور در ورزشگاه ما را دارند ولی زنان ایرانی اجازه ندارند. خب چرا باید این اتفاق بیفتد؟ چرا ممنوعیت و رفتار دوگانه در این زمینه وجود دارد؟

مسئله اساسی این است که وقتی فدراسیون جهانی والیبال ما را به‌خاطر حضور زنان در ورزشگاه مورد نقد قرار می‌دهد، به‌نوعی دارد از مسئله زنان استفاده ابزاری می‌کند. به‌نوعی، هم در داخل ایران نوعی استفاده ابزاری هست، هم در خارج از ایران. چرا نگاه ابزاری به زنان باید باشد وقتی که والیبال ایران در جامعه بین‌المللی می‌درخشد. این‌ا واقعاً نه حقوق بشر است و نه حقوق زنان. چرا باید زنانی که



ملیتشان ایرانی نیست، وارد ورزشگاه شوند؟ همه‌چوره دارد به شعور جامعه توهین می‌شود. ما نباید این را هرگز فراموش کنیم که واقعیت این است که اصل چهار قانون اساسی می‌گوید در کلیه قوانین مصوب موازین شرعی و اسلامی رعایت شود.

ما یا مسلمان هستیم یا نیستیم. اگر هستیم که باید این قوانین را رعایت کنیم. دین ما ممنوعیت‌هایی قرار داده که فلسفه‌ای پشت آن است. باید ریشه آن را پیدا کرد. باین‌حال یک‌سری مسائل هست که به‌طور طبیعی و عرفی در طول تاریخ قابلیت تغییر دارد.

این مسائل به مرور زمان حل می‌شود. مهم اما این است که نگاه ما به همه مسائل، چه زنان، چه غیرزنان باید مجموعی باشد. یک مسئله را ما باید هم فقهی ببینیم، هم فرهنگی و هم شرایط اجتماعی و مصلحت نظام را در نظر بگیریم. تنها در آن صورت است که نگاه ما صحیح خواهد بود درحالی‌که بیشتر وقت‌ها مسائلی از این دست را ما جداجدا مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم و همین امر در نتیجه نهایی‌ی مشکل ایجاد می‌کند. در خیلی از کشورها بانک زنان درست کرده‌اند تا به حقوق زنان کمک بیشتری شود. تفاوت‌ها گاهی مبنای برقراری عدالت است. این را نباید فراموش کنیم که تفاوت و تبعیض با هم فشر دارند. اینها مسائلی هستند که نیاز به مبانی عمیق و پردازش صحیح دارد درحالی‌که ما راحت از کنار آنها می‌گذریم و نگاه عمیقی به این مسائل نداریم.

♦ مدرس دانشگاه و پژوهشگر زنان

نگاه موافق

مشکل قانونی است یا عرفی؟

ورود زنان به ورزشگاه ممنوعیت قانونی ندارد



حسین عسگری‌راد حقوق‌دان بین‌المللی

ورود زنان به ورزشگاه هیچ‌گونه ممنوعیت قانونی و حقوقی ندارد. همان‌طور که می‌دانید ایران در سال ۱۳۵۴ به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ملحق شده است و به‌موجب ماده ۹ قانون مدنی، بخشی از مقررات نظام حقوق ملی ما محسوب می‌شود و دولت متعهد به اجرای آن است و گزارش چگونگی اجرای آن را به‌طور منظم به شورای حقوق‌بشر سازمان ملل اعلام می‌کند و به تعهدات خود در این کنوانسیون پایبند است. این میثاق به‌دنبال اعلامیه جهانی حقوق‌بشرکه امروزه جزء الزامات انکارناپذیر بین‌المللی است، از حقوق همه افراد به صرف انسان‌بودن و بدون توجه به عوامل تبعیض، از جمله تبعیض جنسیتی حمایت می‌کند و در قانون اساسی ما نیز به‌عنوان مهم‌ترین سند حقوقی ملی تضمین شده است، حتی در مواردی تبعیض مثبت هم در مقررات ملی به‌نفع زنان وجود دارد که ازجمله آن، مرخصی طولانی زایمان و بازنشستگی‌های پیش‌ازموعد را می‌توان نام برد.

البته باید بگویم ایران عضو کنوانسیون بین‌المللی حقوق زنان نیست. در این کنوانسیون تضمین‌های بیشتری برای حقوق زنان پیش‌بینی شده است.

باین‌حال، نباید فراموش کرد به جز قوانین بین‌المللی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی- که دستاورد مبارزات تاریخی مردم ایران و خون شهداست-حقوق زنان و مردان به‌نحو مساوی پیش‌بینی شده است. براین‌اساس، حتی زنان در مواردی مشمول تبعیض مثبت هستند؛ مانند همان مرخصی زایمان، بازنشستگی و... اما باید بگویم اگر درباره ورود زنان به ورزشگاه تبعیض منفی صورت گرفته است، ریشه قانونی ندارد.

در هیچ قانونی مانعتی در این زمینه وجود نداشته است و از نظر شرعی خود نیز من اجماعی توسط فقهای معتبر مبنی بر حرمت حضور زنان در میادین ورزشی ندیده‌ام. در این پدیده فقط عامل



فرهنگی دخیل است و دولت باید شرایط و حفاظت‌های مناسبی را فراهم کند و با اتخاذ تدابیر فرهنگی کمک کند نیمی از جمعیت جامعه، یعنی زنان بتوانند بدون هیچ مشکلی از ورزشگاه‌ها استفاده کنند و همچنین به تماشای بازی‌های ورزشی بروند. بی‌شک زنان حق این را دارند که به تماشای مسابقات ورزشی بروند و حضور بررنگی در این حوزه داشته باشند؛ از همین‌رو دولت‌ها باید بسترساز تأمین حقوق شهروندی باشد و جسارت تغییر این حرکت اجتماعی را داشته باشند و به ندای نیمی از جامعه گوش بیاورند.

درحال‌حاضر، سازمان‌های بین‌المللی ورزشی همواره فرهنگ ورزشکاری و ورزش‌دوستی را ترویج می‌کنند و براین‌اساس است که وقتی زنان ایرانی در بازی‌های بین‌المللی حضور ندارند، سخت‌گیری‌هایی در چارچوب فعالیت‌های ورزشی انجام می‌دهند. به‌نظر من، در این زمینه سازمان‌های غیردولتی ملی باید زمینه‌های تعامل را به وجود آورند تا بستر بحث و گفت‌وگو فراهم شود و زنان بتوانند به این حق طبیعی و اجتماعی خود دست یابند.

همواره گزارشگرهای حقوق‌بشر براساس میثاق حقوق بین‌المللی مدنی و سیاسی، وضعیت ایران را پایش می‌کنند و متأسفانه ما در زمینه برخی از حقوق زنان با مشکلاتی روبه‌رو هستیم. بنابراین باید در زمینه تأمین حقوق احیانشده زنان گام‌های جدیدی برداشت شود؛ البته در مواردی مانند ارث و شهادت و غیره که ریشه‌های شرعی دارد، تغییر آن نیازمند فتاوی شرعی است؛ اما من تا امروز هیچ فتوای معتبری از علمای دینی ندیده‌ام که مخالف حضور زنان در ورزشگاه‌ها باشد و آنچه اظهارنظر شده به ضرورت مصلحت بوده است.

بنابراین دولت در این زمینه باید جسارت بیشتری نشان دهد؛ در گام‌های اول شاید مقاومت‌هایی شکل بگیرد و هزینه‌هایی تحمیل شود. اما در بلندمدت جامعه این مسئله را می‌پذیرد و خود را با این تغییر تطبیق می‌دهد. موارد بسیاری در حوزه زنان داشته‌ایم که به این شیوه حل شده‌اند و تاریخ شاهد آن است.

زمانی زنان در برخی کشورهای اروپایی حق طلاق نداشتند یا اینکه خیلی از زنان در کشورهای اروپایی نمی‌توانستند حق مالکیت داشته باشند؛ البته ما از نظر شرعی برای مالکیت مستقل زنان مشکلی نداشتیم، اما مسائل دیگری هست که همه اینها با گذر زمان در جامعه حل شده است.

درحال‌حاضر در برخی کشورهای عربی و آفریقایی زن به‌تنهایی نمی‌تواند در خیابان راه برود یا زنان در پاکستان و افغانستان با مشکلات عدیده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ اما جامعه ما پیشرفت‌های چشمگیری در این حوزه‌ها داشته است.

احتمالا در برخورد با مسئله ورود زنان به ورزشگاه دیدگاه‌هایی مبنی بر این که این موضوع از مسائل مهم حوزه زنان و جامعه نیست وجود دارد اما به‌نظر من این استدلال که زنان حقوق مهم‌تری دارند و نباید بر موضوعات فرعی، مانند حضور در ورزشگاه‌ها متمرکز شد، رویکردی کاملاً غلط است.

مهم این است که در هر شرایطی، اگر حقی وجود دارد باید احیا شده و در اختیار محققان آن قرار بگیرد.

حقی که هیچ‌گونه ممنوعیت قانونی و شرعی ندارد، و ذی‌نفعان آن باید برای به‌دست‌آوردن حقوق ابتدایی خود در ایین زمینه تلاش کنند. یادمان نرود که حقوق ابتدایی مقدمه به‌دست‌آوردن حقوق بنیادین است و برای رسیدن به حقوق بنیادین باید ابتدا بر سر حقوق ابتدایی تلاش کرد.